

افزایش بیکاری و راه حل مزدوران رژیم اسلامی در کردستان!

صفحه ۳

نسان نودینیان



صفحه ۲

منصور حکمت

کوبا

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان، نسرین رضاعلی

(زنان) اخبار و گزارشات هفتگی

صفحه ۵

عزیزه لطف الهی

فیدل کاسترو در گذشت

صفحه ۶

کاظم نیکخواه

خویشاوندی چپ سنتی و ضد امپریالیست با جنبش اسلامی سیاسی

محمد آسنگران

تا بقیه چپهای سنتی علی‌رغم هر اختلافی که با هم داشته و دارند، يك نقطه اشتراك مهم جنبش آنها با هم ضد امپریالیست بودن و به این معنا ضد آمریکایی بودنشان است.

در عین حال این ضد امپریالیست بودن و ضدیتشان با آمریکا نخ اتصال همه آنها با جنبش اسلامی سیاسی است. همه این طیف راست اسلامی و چپ سنتی خود را نه ضد سرمایه داری و ضد کار مزدی بلکه ضد آمریکایی و تحت عنوان شعار "ضد امپریالیسم" فرموله کرده اند. با هر تفاوتی که این طیف بین خود قائل بوده و هستند در يك نگاه ماکرو و جنبشی در این چهارچوب قرار میگیرند. چپ ضد آمریکایی. دوستی و نزدیکی کم و بیش این چپ با جمهوری اسلامی و حزب الله و حماس و دیگر جریانات اسلامی ضد آمریکای و ضد امپریالیست به دلیل خویشاوندی جنبشی آنها با همدیگر است، نه اشتباه در ارزیابی و تحلیل از جمهوری اسلامی و دیگر جریانات اسلام سیاسی.

دفاع حزب توده ایران و سازمان اکثریت از خمینی و حکومت اسلامی و شعار برجسته سازمان اکثریت برای مسلح کردن سپاه پاسداران به سلاحهای سنگین در اوایل قدرتگیری جمهوری اسلامی خیانت به کسی نبود و هیچکدام از این احزاب خیانتکار نیستند. آنها با حمایتشان از خمینی دنبال سیاست و شعار اصلی جنبششان بودند که ضد آمریکایی گری و "ضد امپریالیست بودنشان بود. آنها به دلیل خویشاوندی جنبشی از خمینی حمایت کردند. اشتباه سیاسی و

صفحه ۲

در این نوشته تلاش میکنم نگاهی به خویشاوندی و نقطه اتصال دو جنبش اسلام سیاسی و چپ سنتی با اتکا به نمونه های تاریخی و تئورهای این چپ در شرق و غرب بیندازم. شناخت این موضوع مهم است، زیرا ما اکنون در يك دوره انتقال و گذار قرار گرفته ایم. متأسفانه هنوز تصویر مسلط در دنیا از چپ، همین چپ ضد امپریالیست است. تاثیرات و نفوذ سیاستها و تئورهای چپ سنتی هنوز از ما کمونیستهای کارگری بسیار قویتر و با امکانات تر است. به همین دلیل ما مواردی تلفات داده ایم و چپ سنتی حتی بعضا از ما نیرو گرفته است. در عین حال تا وقتی که تصویر مسلط از چپ و کمونیسم همان چپ سنتی باشد قدرتگیری کمونیسم کارگری و مارکسی اگر غیر ممکن هم نباشد بسیار سخت خواهد بود.

بنابر این نشان دادن تمایز چپ مارکسی و کمونیسم کارگری با این چپ ضد امپریالیست و سنتی در عرصه های مختلف هنوز يك وظیفه مهم ما است.

نگاهی به چپ سنتی و رابطه اش با جنبش اسلام سیاسی

چپ امروز را اگر نگاه کنید از نوع اس. دبلیو. پی. در انگلیس گرفته تا نوع حزب چپ آلمان و از انواع احزاب کمونیست پرو سویت سابق گرفته که بعد از شکست اردوگاه شرق بی پناه شده اند، تا حزب لیبر انگلیس و احزاب نوع حزب توده ایران و سازمان اکثریت و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



محمد آسنگران

تاکتیکی و یا استراتژیکی در کار نبوده و نیست. همچنانکه میبینیم در دوران خاتمی همه این طیف زیر عبای یک آخوند لبخند به لب تجمع کردند و وظیفه جنبشی خود را انجام دادند.

اگر به چپ اروپا نگاه کنید این اتفاقی نیست که چپ اروپا با عکس حسن نصرالله به خیابان می آید. معلوم است که ضدیت آنها با آمریکا در عین حال ضدیت با اسرائیل هم هست و از این منظر قهرمان آنها حسن نصرالله است. نقد آنها به اسرائیل از موضع مردم آواره و سرکوب شده فلسطین برای کسب حقوق انسانی و برابر نیست. نقد آنها به سیاست نژادپرستانه اسرائیل و اشغالگری این دولت از موضع حسن نصرالله و حزب الله و حماس است. لکن زبان این چپ در نقد اسلام و اسلام سیاسی از همین موضع است. از نظر بخش "روشن" تر این چپ گویا اسلامیهها به دلیل اجحافات امپریالیستها مورد ظلم واقع شده اند و اعتراض آنها بر حق است و نقد اسلام و اسلام سیاسی به نفع امپریالیستها و راستها است و ...

تعریف اسلام و اسلام سیاسی از نظر چپ سنتی

این چپ مورد بحث ما آگاهانه یا نا آگاهانه تفاوتی بین مردم معتقد به اسلام و جنبش اسلام سیاسی و خود اسلام قایل نیست. نقد به اسلام و اسلام سیاسی را بیماری فوبی (اسلام و فوبی) مینامد. در نتیجه این تئوری ترندی به اسم "نسبیت فرهنگی" بوجود آمده است که اسلام و قوانین شریعه و سنگسار و سر بریدن و قتلهای ناموسی و ... را فرهنگ مردم مسلمان میدانند. کشورهای اسلام زده را هم کشورهای اسلامی معرفی میکنند و باید به فرهنگ اسلامی آنها احترام گذاشت. یعنی بشر متمن امروز از نظر این چپ باید به

احترام سنگسار و سربریدن و جهاد علیه کفار در کنار قاتلان و خونریزان اسلامی قرار بگیرد. این چپ اگر منتقدین اسلام و اسلام سیاسی را اسلام و فوبی مینامد ما حق داریم که آنها را انسان و فوبی بنامیم. زیرا بر اساس آیات قرآن نه حتی احادیث و تفاسیر فرقه های مختلف اسلامی، انسان کامل فقط مردان مسلمان هستند. مردانیکه زنان را ملک خود و ابزار جنسی و بچه ها را خدمتکار خود و همه آنها را ناقص العقل میدانند. آشکار است که این تئوری اسلامی تا مغز و استخوان راسیستی و فاشیستی است. زیرا علاوه بر موارد فوق مردمان غیر مسلمان، هم در این دنیا مستحق مجازات هستند و باید علیه آنها جهاد سازمان داد هم در آن دنیای ساختگی خودشان به اسم بهشت و جهنم تمام غیر مسلمانها از جانب خدای مسلمانها مجازات میشوند و به جهنم فرستاده میشوند که تا ابد زیر شکنجه باشند و سوزانده شوند و زجر بکشند و ...

برعکس نظریات و تئوریهای این چپ از نظر ما کمونیستهای کارگری اسلام یک مذهب ارتجاعی و متعلق به تاریخ و دوران فئودالی است. اسلام به عنوان یک مذهب نه امروز همان روز تولدش هم ارتجاعی بوده است و از سطح توقعات متفکرین و پیشروان همان دوره هم عقبتر بوده است. بر اساس آیات قرآنی و بر مبنای همان نوشته هایی که در قرآن آمده است و کلام خدای مسلمانها معرفی شده است ضد انسانی است. برای درک این موضوع کافی است ترجمه درست قرآن را به پیروان این مذهب نشان بدهیم و به این چپ مالخولیا یاد آوری کنیم که بر اساس آیات قرآن خدای مذکر با پیغمبری مذکر و خطاب به پیروانی مذکر نگاشته شده است. زن و بچه که از منظر اسلام در ردیف خدمتکاران و خدمات دهندگان به مردان مذکر در نظر گرفته شده اند انسان کامل محسوب میشوند. آنها صغیر هستند و قییم و رئیس و صاحب باید داشته باشند و صاحبان آنها مردان مذکر خدا و پیروان پیغمبر اسلام هستند. پیغمبری که به دستور و رضایت خدای خود حرمسرا پیا کرده بود و زنان اسیر در

جنگ متعلق به این مردان نر بودند که خدایشان به آنها دستور داده بود که بتوانند هم به بچه نه ساله تجاوز کنند و هم اسیران زن را به حرمسرای خود اضافه کنند. پاداش نرینه های اسلامی در بهشت موعود صف حوریها است و پاداش زن مومن مسلمان در بهترین حالت قرار گرفتن در صف حوریهایی است که قرار است به نرینه اسلامی خدمات سکسی بدهند.

به این معنا اگر با دقت نگاه کنیم متوجه میشویم اسلام دین رهایی از بت پرستی نیست بلکه دین شکستن بتهای متعدد به نفع یک بت به تنهایی است. بتی که سادیست و عقده ای است. هم عقده خونریزی و سربریدن دارد و هم عقده اینرا دارد که زنان و حوریهای هر چه بیشتری را در اختیار بگیرد و حتی به بچه نه ساله هم رحم نکند. هنگامیکه این دین را با این زبان روشن و طبق آیات خود قرآن معرفی میکنید همین چپ سنتی همانند اسلامیههای مرتجع موی بدنشان سیخ میشود و تحت عنوان احترام به مذهب و اعتقادات مذهبی مردم، این توحش اسلامی را فرهنگ مردم مسلمان معرفی میکنند و نقد اسلام و این قوانین دوران بربریت را "اسلام و فوبی" مینامند و به دفاع از اسلامیهها برمیخیزند.

در پاسخ به این چپ باید متذکر شد که راسیسم و فاشیسم و اسلامیسیم در مبانی اعتقاد خود آنها همگی بر تبعیض متکی هستند. تفاوت آنها این است که فاشیسم با اتکا به ایدئولوژی ملی و ناسیونالیستی حقوق انسانها را دسته بندی میکند و ناسیون خودش را برتر میدانند. اسلامیسیم بر مبنای ایدئولوژی اسلامی و مذهبی این تبعیض را اعمال میکنند. انصافا اگر درجه تبعیض گرایی این دو جنبش تبعیض گرا را با هم مقایسه کنیم راسیستها و فاشیستها افراد ملت و نژاد خود را اعم از زن و مرد و بچه را نسبت به بقیه غیر خودیها برتر میدانند اما در صف خودیها آنها را با بقیه افراد ناسیون و مکتبیهای خودی در شکل رسمی و علنی مثل اسلامیهها مورد تبعیض قرار نمیدهند.

اما اسلامیسیم نه تنها غیر ستیزی را تجویز میکند بلکه حتی بخشی از افراد خودی و مسلمان را

کوبا

منصور حکمت

اقتصادی سخن میگویند. بعضی به روشنی و صراحت حتی در سواحل فلورایدا و جلوی دوربین شبکه های تلویزیونی آمریکا، از موازین اجتماعی، حرمت شخصی و ایمنی نسبی خود در کوبا سخن میگویند و تحریم و محاصره اقتصادی توسط آمریکا را عامل مشقات خود ذکر میکنند.

واقعیت اینست که کوبا به همان اندازه که نسیمی از اندیشه سوسیالیستی در آن وزیده است، از نظر همه شاخصهای تمدن انسانی، از سواد تا حرمت شخصی و حتی دخالت مردم در زندگی سیاسی، میتواند یک مدل آرمانی برای خود جامعه آمریکا باشد. در مواجهه اخیر کاسترو پیروز شد، اما تهدید آمریکا بالای سر کوبا جدی است. باید این تهدید را خنثی کرد.

اولین بار در شهریور ۱۳۷۳، سپتامبر ۱۹۹۴، در شماره ۱۵ انترنایسپونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۲۱۷ تا ۲۱۸

انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوند

ایده اشغال کوبا و سرنگونی کاسترو نه فقط در محافل دست راست کوبایی ها ط ساکن فلوریدا، بلکه در درون هیات حاکمه آمریکا یک آرزو دیرینه است. با سقوط شوروی و بلوک شرق، تعیین تکلیف کوبا بعنوان یک "کانون کمونیست" در یک وجبی خاک آمریکا به بالای دستور رانده شد. موج اخیر هزاران پناهنده قایق نشین که به مخاطره آمیزترین شکل، آویخته بر امواج اقیانوس اطلس، به سوی آمریکا هجوم آوردند، بار دیگر مساله کوبا را به صدر رسانه های آمریکایی و غربی راند.

رسانه ها و سیاستمداران آمریکایی تلاش میکنند کوبا را یک هائیتی دیگر جلوه بدهند. میگویند مردم از "استبداد" به تنگ آمده کوبا دمکراسی و بازار میخواهند و زندانه میپرسند که آیا مدارا با کوبا و در همان حال فشار به هائیتی و تدارک اشغال نظامی آن، یک تناقض در سیاست آمریکا نیست؟

جالب اینجاست که در میان موج جدید مهاجرین به دریا زده کوبایی هنوز یکی پیدا نشده است که علت اقدام خود را نبود "دمکراسی" در کوبا ذکر کند. همه بدون استثنا از فشار بر مبنای جنسیت و سن و سال (بچه و زن) را از همان حقوق مردهای مسلمان هم محروم میکنند. این راسیسم و فاشیسم اسلامی در مقایسه با راسیسم و فاشیسم ناسیونالیستی و ملی بسیار محدودتر و تبعیض آمیزتر هم هست.

بر همین اساس من اسلامیسیم و فاشیسم را دو روی یک سکه میدانم و آنها را جنبشهای ارتجاعی و تبعیضگرا معرفی و مایه شرم انسان مدرن. کسانیکه خود را ضد راسیسم و منتقدین اسلام و اسلام سیاسی را راسیست مینامند با عینک اسلام تبعیضگرا دنیا را نگاه میکنند.

زیرا جریانات اسلامی بویژه اسلام سیاسی تمام ایده و افکار و مکاتب دیگر در جوامع بشری را بجز اسلام منسوخ میدانند. نه تنها وجود تئوری و تفکر و جنبش دیگری را نمیپذیرند بلکه تلاش میکنند دنیا را یک رنگ و یک صدا کنند و در یک جنبش به اسم جنبش اسلامی قالب بزنند و هر کسی خارج از این دایره را مستحق کشتن و مجازات میدانند. البته این حکم خدای مسلمانها و آیات صریح قرآنی است که کل بشر یا باید مسلمان بشوند یا مستحق کشتن و مجازات هستند.

بنابر این برخلاف تئوری چپهای سنتی جنبش اسلام سیاسی نه

افزایش بیکاری و راه حل مزدوران رژیم اسلامی در کردستان!



نسان نودینیان

اخیرا مزدور رژیم اسلامی کریم ذوالفقاری در هفته بسیج که در سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان برگزار شد گفته است: «طبق آمارهایی که منتشر شده ۲۹.۶ درصد از جوانان و افراد دارای توان کار در کردستان بیکار هستند، گفت: بیکاری ذهن را به حاشیه می برد و به سمت فساد سوق می دهد.» «بیکاری جوانان کردستان باعث می شود تا آنان به سمت گروهک های منحل شده تمایل پیدا کنند و در کل باید گفت که معضل بیکاری بسیار خانمان سوز است».

بیکاری میلیونی جوانان در ایران چالش بزرگ دولت یازدهم است. روحانی با وعده های توخالی رفع و کاهش بیکاری بر صندلی دولت یازدهم نشست، اما در دوره نزدیک به ۴ سال در قدرت بودن دولت یازدهم نه تنها معضل بیکاری الیتمی پیدا نکرده، بلکه بر تعداد میلیونی کارگران بیکار و جوانان تحصیل کرده افزوده شده است.

صحبت های مزدور سینه چاک رژیم اسلامی در هفته بسیج خود گواه بحران و چالش بزرگی است که رژیم اسلامی و دولت یازدهم در ارتباط با بحران سونامی بیکاری گرفتار آن شده اند. دولت یازدهم راه حلی برای پایین آوردن و رفع بیکاری ندارد.

معضل بیکاری در شهر و روستاهای کردستان ابعاد همگانی و عمومی بخود گرفته است.



ما چالش اصلی مردم در کردستان است.

میلیتاریزم و حضور جنایتکارانه مزدوران که زندگی و کار صدها کارگر کولبر را که از روی ناچاری به کار کولبری در مرزهای روی آورده اند، مورد هجوم و نا امنی قرار میگیرند، خود نیز چالش دائمی جامعه و مردم با رژیم اسلامی است.

مزدوران ریز و درشت رژیم اسلامی در بیش از سه دهه گذشته با تهدید حضور اپوزیسیون مخالف در کردستان، بجای توسعه اقتصادی، پایین آوردن فقر و شکاف طبقاتی، ایجاد فرصت های شغلی و بیمه بیکاری، سرکوب و ملتاریزم نظامی را میفهمند.

تهدید پیوستن جوانان به احزاب سیاسی مساله ای تازه نیست. "گفتمان" تهدید پیوستن جوانان برای مردم کردستان بیش از سه دهه است تجربه شده. این نوع "گفتمان" ها و اراجیف کهنه شده اند. جوانان کردستان کار یا بیمه بیکاری میخواهند. باید با قاطعیت تمام جلو این نوع اراجیف را گرفت.

جنبش علیه بیکاری، کار و فرصت های شغلی، بیمه بیکاری مکفی مساله و خواست اساسی مردم در کردستان است.

۹ آذر ۱۳۹۵

۲۹ نوامبر ۲۰۱۶

از صفحه ۲ خویشاوندی چپ سنتی و ...

اعتراض مسلمانها به غاصبین و متجاوزین غربی و متحذین آنها بلکه سیاست و جنبش جریانات فوق ارتجاعی است که از روز اول تولدش تبعیضگرا و ضد انسانی بوده است. جریانات خونریز اسلامی مانند مجاهدین افغان و طالبان و جمهوری اسلامی و داعش و بوکو حرام و... بطور مشخص در عصر ما دست ساز آمریکا و کشورهای غربی بوده اند و تا به امروز هم غرب و کشورهای مقتدر سرمایه داری آنرا به عنوان ابزاری برای تحمیق و سرکوب مردم بکار گرفته اند. این خاصیت مذهب و پیوسته اسلام است که به عنوان یک دین و مذهب، همیشه ابزاری در دست حاکمان بوده است. حاکمان از تاریخ گذشته تا به امروز چه در هیئت پادشاهان قهار و خونریز و چه در هیئت حاکمان مدافع دموکراسی و بازار آزاد به عنوان دین رسمی و قوانین و فرهنگ مخدر و تحمیق مردم از آن استفاده کرده اند.

اسلام از روز اول با خونریزی و سربرین و قتل و کشتار متولد شده است و اکنون هم هر جا قدرت و امکانش را داشته باشد همان سیاست و سنت را پیروی میکند. کسی که تاریخ اسلام را ورق زده باشد میداند که هم در دوران پیغمبر اسلام و هم در دوران خلفای اسلام کشتارها و بیرحمیها بسیار وحشتناکتر از آن چیزی است که اکنون در هیئت داعش شاهد آن هستیم. داعش در عراق و سوریه و جمهوری اسلامی به عنوان داعش ایران و بقیه جریانات اسلامی از این نوع اگر جایی و دوره ای نتوانسته اند به این سیاستها جامه عمل بپوشانند نه به خاطر نوع خوب و لیبرال و قابل تحمل اسلام آنها بلکه

کلیسا و مسیحیت هم در اروپا و غرب دموکرات و یا توراتس نشده اند. کلیسا تضعیف شده است که ناچار به برگشتن به کنج کلیساها شده است. بشر ناچار است این راه را در مورد اسلام هم طی کند. اما همزمان با تلاش برای تضعیف اسلام و راندنش به کنج مسجد و اعتقادات شخصی معتقدین به آن، باید نقد سیاسی و فلسفی مذهب و نقش آن در زندگی اجتماعی و نقد این خرافه دوران توحش بشر کار هر روزه و روشنگرانه جنبشهای اجتماعی پیشرو و مدرن باشد. اما جریانات اسلامی خونریز در قدم اول باید شکست سیاسی و نظامی بخورند تا نتیجه نقد و روشنگری اجتماعی بتواند به قوانین مدرن در جوامع امروز تبدیل شوند.

۹ آذر ۹۵

۲۹ نوامبر ۲۰۱۶

لغو اتهام امنیتی یعنی آزادی اعتصاب و تجمع، آزادی تشکل، آزادی بیان و اعتراض. این یک خواست محوری در مبارزات بخش های مختلف مردم علیه فقر و محرومیت و بیحقوقی علیه مفتخوران و جنایتکاران حاکم است.



نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی

خطاب به افکار عمومی در شهر سنندج خطاب به فعالین جنبش بخشش در سنندج

ایوب شهبازی را از اعدام نجات دهید!

ایوب شهبازی زندانی نوجوان زندان سنندج زیر سن ۱۸ سالگی مرتکب قتل شده و دادگاه بدوی حکم اعدام برایش صادر کرده است. ایوب شهبازی از سوی دادگاه عمومی سنندج به اعدام محکوم شده است. وی متولد ۸ شهریور ماه ۱۳۷۷ در شهر سنندج بوده و در تیر ماه ۱۳۹۳ مرتکب قتل شده است. ایوب در کودکی پدرش را از دست داد و به دلیل فقر مالی از کودکی نتوانست به مدرسه برود و خواندن و نوشتن را نیز بلد نیست. وی از همان کودکی با مادرش در خانه‌های مردم کار شستن و نظافت منازل را انجام می‌داد تا اینکه چهار سال پیش وقتی خیلی کوچک بود چون کسی را نداشت راهنماییش کند به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرد و در نهایت هم به خاطر پول مرتکب قتل یکی از فامیلهایش شد.

ایوب شهبازی در ۲۸ آذر ماه سال ۱۳۹۴ در شعبه ۳ دادگاه عمومی سنندج به قصاص نفس (اعدام) محکوم شده است. پرونده وی هم اکنون در حال بررسی در دیوان عالی کشور است.

فعالین جنبش ضد اعدام، فعالین شبکه تلاش برای بخشش محکومین به اعدام را فرا میخوانیم برای نجات جان و حق حیات ایوب شهبازی دست بکار شوند.

مردم شهرهای کردستان از فعالیت‌های موثر شما برای نجات جان محکومین به اعدام تجارب مثبت و شیرینی را دارند. به همت شما و فعالیت‌های شبانه روزی شما در شهر سنندج طناب اعدام از گردن رشاد ریشیدی برداشته شد. و رشاد ریشیدی از مرگ نجات یافت.

در شهر سقز رثوف حسنی در زندان مرکزی با رضایت اولیای دم از اعدام نجات یافت.

رثوف حسنی توسط دادگاهی که فرزندان بقتل رسیده بود، از مرگ

حتمی نجات پیدا کرد.

وضعیت نامناسب چهار زندانی ساکن بوکان در بازداشتگاه اطلاعات سپاه

دهها شهروند بوکانی که مورخ ۱۵ مهرماه سال جاری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بودند به مرور و با تودیع وثیقه آزاد شدند با اینحال ۴ تن از این بازداشت شدگان کماکان در بازداشتگاه اداره اطلاعات سپاه ارومیه در بازداشت و در شرایط نامناسب به سر می برند. گزارش‌های دریافتی حاکی از بدرفتاری، ضرب و شتم و حتی شکنجه این بازداشت شدگان است. به گزارش خبرنگاری هرا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز پنجشنبه پانزدهم مهرماه، به خانه تعداد زیادی از شهروندان ساکن بوکان و حومه آن، با ضرب و شتم اقدام به بازداشت تعداد پرشماری از شهروندان نمودند. دستگیر شدگان دهها نفر از جمله «جوانان و نوجوانان کم سن، بعضی از امامان مساجد و طلبه های آنها» گزارش شده بودند. اکثر بازداشت شدگان با تودیع وثیقه آزاد شدند، ولی همچنان چهار تن از این شهروندان سنی مذهب بوکانی با نام‌های «عبدالغفور آسوار، یعقوب نوره، کمال علی اقدم و هژار فارقی» در بازداشتگاه اداره اطلاعات سپاه سیدالشهدا ارومیه واقع در جاده ارومیه-تبریز نگهداری می شوند. یک منبع نزدیک به خانواده این شهروندان در مورد آخرین وضعیت آنان به گزارشگر هرا، گفت: «خانواده عبدالغفور اسوار دوهفته قبل به ملاقات رفته بودند. اجازه حرف زدن زیاد به آنها ن داده بودند. در ضمن در حضور دو مامور ملاقات انجام شده بود. خیلی ضعیف شده بود و آثار شکنجه روحی و جسمی به عینی در ظاهرش نمایان بوده است.»

این منبع ادامه داد: «مقامات این نهاد به خانواده‌ها گفته‌اند به زودی پرونده جمع شده و به دادگاه فرستاده خواهد شد.»

اتاق حبس دو زن زندانی در کرمان از سوی مأموران اطلاعاتی مورد تفتیش واقع شده است. عصر روز هشتم آذرماه، افراد اطلاعاتی زندان مرکزی شهر کرمان به سلول مشترک افسانه بایزیدی و هاجر پیری حمله کرده و تعدادی از وسایل شخصی آن دورا با خود بردند. حمله نیروهای حفاظت اطلاعات زندان با توهین و ناسزا به این دو فعال سیاسی همراه بوده است.

گزارشی از وضعیت پنج زن زندانی سیاسی

گزارشی از وضعیت پنج زن زندانی سیاسی «افسانه بایزیدی، هاجر پیری، سهیلا مینایی، سودابه حسن خانی و فریده خوشنام» در زندان کرمان. به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر کردستان، «افسانه بایزیدی، هاجر پیری، سهیلا مینایی، سودابه حسن خانی و فریده خوشنام» از جمله زندانیان سیاسی زن هستند که به اتهام عضویت یا همکاری با احزاب اپوزیسیون گرد دستگیر و در زندان مرکزی کرمان به سر می‌برند. این پنج زندانی سیاسی طی این سال‌ها دوران حبس را بدون هیچ‌گونه مرخصی و ملاقاتی گذرانده‌اند.

گفتنی است که «اغلب فعالان سیاسی دستگیر شده از شهرهای کردستان که بازداشت می‌شوند سرنوشت تحمل زندان در تبعید بدون داشتن هرگونه ملاقات، مرخصی و حق استفاده از وکیل، و سپری کردن نیمی از عمر خود را در پشت میله های زندان خواهند داشت». در اینجا مروری خواهیم داشت بر آخرین وضعیت این پنج زندانی سیاسی در تبعید.

اسامی و مشخصات این زندانیان که توسط «کانون مدافعان حقوق بشر کردستان» احراز شده، به شرح زیر می‌باشد:

۱- افسانه بایزیدی فعال دانشجویی و زندانی سیاسی اهل بوکان، وی در مرداد ماه امسال، به اتهام تبلیغ علیه نظام، توهین به رهبری و همکاری با یکی از احزاب کرد در شعبه یک دادگاه انقلاب مهاباد به چهار سال حبس و تبعید به زندان کرمان محکوم شد و هم

اکنون در زندان کرمان محبوس می‌باشد.

۲- هاجر پیری زندانی سیاسی ۳۳ ساله اهل نقده که نزدیک به نه سال است در تبعید به سر می‌برد وی در اردیبهشت سال ۱۳۸۶ در نقده توسط اطلاعات سپاه بازداشت شد و در مهرماه سال ۱۳۷۶ در شعبه ۱ دادگاه انقلاب ارومیه به اتهام «عضویت در یکی از احزاب کرد مخالف نظام و اقدام علیه امنیت نظام» توسط قاضی حصری به ۱۷ سال حبس و تبعید به زندان کرمان محکوم شد و اینک در زندان کرمان دوران محکومیت خود را سپری می‌کند.

۳- سهیلا مینایی ۲۷ ساله اهل دیواندره، خانم مینایی ۱۹ مرداد سال گذشته توسط ماموران اطلاعات این شهر دستگیر شد پس از تحمل ۶ ماه بازداشت و بلا تکلیفی در بازداشتگاه دیواندره که پرونده وی به دادگاه انقلاب سنندج موکول گردیده و در همان دادگاه به اتهام ارتباط با یکی از احزاب کرد جمعا به ۳ سال و یک روز زندان و تبعید به زندان کرمان محکوم شد و اینک مدت نه ماه از حبس باقیمانده خود را در زندان کرمان می‌گذراند.

۴- سودابه حسن خانی ۳۱ ساله مهندس کامپیوتر و اهل حلب از توابع شهرستان بیجار، این زندانی سیاسی خردادماه سال ۸۳ از سوی نیروهای امنیتی شهیریجار بازداشت شد و نزدیک به نه ماه در بازداشتگاه اطلاعات بیجار در بازداشت و بلا تکلیفی به سر برده و سرانجام ۱۴ اسفندماه سال ۸۳ توسط دادگاه انقلاب بیجار به اتهام «جاسوسی با کشور بیگانه و فعالیت تبلیغی علیه نظام» به تحمل ۹ سال حبس محکوم شد.

در حالیکه در پرونده خانم حسن خانی تبعید نداشته و تبعید ایشان به زندان کرمان پس از گذشت ۷ ماه تحمل زندان در بیجار به کرمان منتقل شد و اینک نزدیک به یک سال است در زندان کرمان دوران محکومیت نه ساله خود را سپری می‌کند.

۵- فریده خوشنام ۳۲ ساله اهل شهرستان تکاب و دارای لیسانس

حقوق می‌باشد.

این زندانی سیاسی هفتم مردادماه سال ۸۴ در شهرستان تکاب از سوی ماموران امنیتی در محل کارش بازداشت شد. خانم خوشنام نزدیک به ۵ ماه در بازداشتگاه اطلاعات همان شهر تحت بازجویی و زیر شکنجه های جسمی و روحی بوده است که از ناحیه چشم دچار عارضه شدید چشم و پا درد شده است.

این زندانی سیاسی ۲۴ بهمن ماه سال ۸۴ توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب تکاب به اتهام «اقدام علیه امنیت کشور، از طریق ارتباط موثق با اطلاعات حکومت اقلیم کردستان» به تحمل ۱۴ سال حبس ۸۰ ضربه شلاق و تبعید به زندان کرمان محکوم شد.

خانم خوشنام در خردادماه سال جاری بدستور قاضی پرونده از زندان تکاب به زندان کرمان منتقل شد و هم اکنون دوران محکومیت چهارده ساله خود را می‌گذراند.

لازم به ذکر است: ۳ تن از این زندانیان تا لحظه تنظیم این گزارش نام و مشخصات آنها در سازمانهای حقوق بشری ذکر نشده است و همراه با دیگر زندانیان سیاسی در سخت ترین شرایط، بدون داشتن امکانات کافی از لحاظ سرویسهای بهداشتی و درمانی و همچون نبود آب گرم در حمام و غیره نگهداری می‌شوند.

به گفته اغلب فعالان حقوق بشری و مدافع زندانیان، زندانی در تبعید با فاصله زیاد از خانواده اش رنج‌های بیشتری را تحمل می‌کند، چرا که از دوستان و یارانی که همچون خودش زندانی سیاسی و عقیدتی هستند، دور شده و از سوی دیگر به میان زندانیانی نا آشنا با جرایم عادی منتقل شده است. تبعید زندانی علاوه بر فشارهای روحی مضاعف برای زندانی آثار دیگری نیز برای خانواده زندانیان به همراه دارد، تحمیل هزینه‌های سنگین مادی برای انجام سفرهای مکرر به شهری که زندانی برای گذراندن دوران محکومیتش به آنجا منتقل شده است.

تظاهرات هزاران نفر در استانبول علیه اعمال خشونت بر زنان

در تظاهراتی که به مناسبت روز

زنان) اخبار و گزارشات هفتگی

تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی

زنی در ریلهای قطار مشهد خودکشی کرد

روز یکشنبه هفتم آذر ماه زنی ۴۶ ساله در محدوده شهرک شیرین مشهد، پس از برخورد با قطار مسافری مشهد - کرمان، جان باخت. در بررسی جسد، نامه‌ای نیز کشف شد که نشان‌دهنده مرگ خودخواسته این زن میان سال بوده است، فقر و سرکوب و فشارهای ناشی از نابرابری‌های اجتماعی از مهمترین دلایل خودکشی فزاینده بین مردم ایران است. این فشارها البته بر روی زنان بیشتر است و به همین دلیل سهم زنان از خودکشی درصد بالایی را در آمار به خود اختصاص میدهد بنقل از آژانس ایران خبر

گزارشی از وضعیت زنان در زندان

بنابه آمار آژانس خبرسانی کردپا از ابتدای سال ۱۳۹۵ مجموع ۴۰ زن از کردستان با احکام بازداشت، حکم زندان، احضار به اداره اطلاعات و وضعیت وخیم در زندان‌های حکومت ایران روبرو بوده‌اند.

در این میان ۱۸ زن از کردستان با اسامی شهلا و کیلی، سارا میرانی، لادن سهرابی، افسانه بایزیدی، شیدا رحیمی، شعله گودرزی، دلنیا صبری، روژین ابراهیمی، سارینا سروت، سحر فیضی، منیژه فاتحی، لیلا هتیمی، کژال حسینی، بهاره عارفی شیخ، روژین رضایی، پرستو حاجیان و اسرین امین زاده از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. اتهام غالب این زنان "امنیتی" بوده است. ۳۰ تن از این زنان دانشجوی بوده‌اند که همگی بعد از بازداشت از سوی نیروهای امنیتی تا مدت‌ها سرنوشت و مکان بازداشت آنها در هاله‌ای از ابهام بوده است.

شهلا محمدي، شعله گودرزی، روژین بهرامی، نجیبه صالح زاده و تروسکه ویسی به اتهام فعالیت‌های مدنی به اداره اطلاعات احضار شده‌اند و ۳ زن دیگر به ناچاهی مادر احسان فاتحی، خدیجه اسماعیلی و شادی در رابطه با فعالیت‌های

سیاسی همسر و فرزندانشان از سوی نیروهای اطلاعاتی احضار و تحت فشار قرار گرفته‌اند.

همچنین ۷ زن به ناچاهی سوما بازگان، افسانه بایزیدی، لاین کریمی، روژین ابراهیمی، دلنیا صبری، صفا حسن‌پور و سهیلا زبیری با اتهامات "سیاسی" و "امنیتی" مجموعاً به ۱۳ سال زندان محکوم شده‌اند که ۳ تن از آنان دانشجوی بوده‌اند.

به علاوه ۴ زن زندانی دیگر با ناچاهی قدریه قادری، صفیه قادری، لاین کریمی زینب جلالیان در وضعیت وخیم جسمی قرار داشته و از رسیدگی پزشکی و مرخصی درمانی محروم بوده‌اند.

افسانه بایزیدی نیز جهت گرفتن اعترافات، ۱۰ روز در دستشویی اداره اطلاعات ارومیه بازداشت شده بود.

در این میان زینب جلالیان صفیه صادقی و مهناز خوش‌آهنگ از ملاقات و مرخصی محروم بوده‌اند.

آتنا دائمی، فعال حقوق بشر، صبح روز شنبه ۶ آذر ۲۶ نوامبر بازداشت و روانه اوین شد

آتنا که از سوی دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ۷ سال حبس قطعی محکوم شده، جمعه شب در صفحه فیسبوک خود نوشته بود که در انتظار احضار به اجرای حکم خود طی روزهای پیش رو است و بعد از دریافت احضاریه، ۵ روز وقت دارد که خود را جهت اجرای حکم به زندان معرفی کند. ولی ماموران اطلاعات سپاه پاسداران موقع بازداشت وی هیچ برگی احضاریه یا اجرای حکمی به او ارائه نکردند و تنها به وی گفتند که «دیگر هیچ وقت آزاد نخواهد شد» و «در زندان خواهد مرد».

آتنا دائمی نخستین بار روز ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳ با هجوم ماموران اطلاعات سپاه پاسداران در منزل پدری‌اش بازداشت و به بند امنیتی ۲-الف زندان اوین منتقل شده بود. او پس از تحمل ۱۶ ماه حبس، روز ۲۶ بهمن ۱۳۹۴ با وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین تهران

آزاد شد. فاضی "مقیسه"، رییس شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران او را به ۱۴ سال حبس محکوم کرد که این حکم در دادگاه تجدیدنظر به ۷ سال زندان کاهش یافت. این فعال جوان در حدود ۹ ماهی که با قرار وثیقه آزاد بود به فعالیت‌های حقوق بشری خود در دفاع از زندانیان سیاسی-عقیدتی و حقوق زنان از جمله مخالفت با حجاب اجباری ادامه داد.

عالیه مطلب زاده، بازداشت شد.

عالیه مطلب زاده، عکاس، روزنامه نگار و از فعالان حوزه زنان و همچنین کمپین حمایت از قربانیان اسیدپاشی، عصر روز یکشنبه هفتم آذر ماه بازداشت شد. چند هفته پیش ماموران وزارت اطلاعات شبانه به خانه خانم مطلب زاده هجوم برده و بدون داشتن حکم بازرسی از ساعت ۱۰ شب تا ۲ نصف شب خانه آنها را بازرسی و اسناد و مدارک شخصی و حرفه‌ای خود، همسر و دخترشان را با خود برده بودند. در همین روز از طرف وزارت اطلاعات تماس گرفته و به او اطلاع دادند که برای دریافت لوازم شخصی به محل وزارت اطلاعات مراجعه کند. او پس از مراجعه، به جای تحویل وسایل شخصی، بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. در روزهای اخیر علاوه بر ایشان حدود ۲۰ نفر دیگر از زنان فعال در حوزه حقوق زنان به وزارت اطلاعات احضار و بازجویی شده‌اند. و این احضارها همچنان ادامه دارند.

وضعیت نازنین زاغری رتکلیف

سازمان حقوق بشری عفو بین‌الملل با صدور بیانیه‌ای درباره وضعیت نازنین زاغری رتکلیف و سلامت جسمی و روحی او هشدار داده و گفته بی‌آن می‌رود که خانم زاغری خودکشی کند. بر پایه این بیانیه خانم زاغری از پنج روز پیش در اعتصاب غذا بوده و ۱ به درخواست خانواده‌اش به اعتصاب خود پایان داده است. گفته شده که مادر نازنین زاغری طی ملاقاتی با او از دیدن وضعیت او و شدت لاغر شدنش شوکه شده و از هوش رفته است. ریچارد رتکلیف، همسر نازنین زاغری، می‌گوید حال او در هفته‌های اخیر به شدت رو به وخامت گذاشته و به خودکشی فکر

از صفحه ۴ نگاه هفته: مجموعه اخبار و ...

جهانی منع خشونت علیه زنان در استانبول برگزار شد هزاران نفر مخالفت خود را با خشونت علیه زنان به نمایش گذاشتند. این شهر پیش‌تر شاهد تظاهراتی گسترده‌ای بود که حکومت را ناچار به عقب‌نشینی کردند.

به گزارش دویچه وله به نقل از خبرگزاری فرانسه در تظاهرات استانبول در روز جهانی منع خشونت علیه زنان (۲۵ نوامبر / ۵ آذر) بیش از ۲ هزار نفر با شعارهایی نظیر "ما مقاومت می‌کنیم" و "با مقاومت پیروز می‌شویم" شرکت کردند.

شرکت کنندگان مشاهدات خود را در شبکه اجتماعی توئیتر با استفاده از هشتگ #herHALdedireniyo که به معنی "تحت هر شرایطی مقاومت می‌کنیم" است به اشتراک گذاشتند.

زنان ترکیه پیش‌تر علیه یک طرح قانونی بی‌جا خاسته بودند که از سوی حزب حاکم "عدالت و توسعه" ارائه شده بود و باعث لغو مجازات برخی متجاوزان به

کرده است. خانم زاغری رتکلیف فروردین سال جاری هنگام بازگشت به بریتانیا در فرودگاه تهران بازداشت و به کرمان منتقل شد. سپاه کرمان در اطلاعیه‌ای او را به مشارکت در "براندازی نرم" و همکاری با "مؤسسات معاند" متهم کرد و او به ۵ سال حبس محکوم شده است.

همسر نازنین زاغری رتکلیف گفته است که در هفته‌های گذشته همسرش به "مرز شکستن" رسیده و حتی نامه خودکشی نوشته و به هم‌سولوی خود داده است. عفو بین‌الملل به نقل از خانواده زاغری می‌نویسد که او علیرغم دو بار انتقال به درمانگاه اوین از مراقبت‌های پزشکی کافی بهره‌مند نشده است. سپاه پاسداران بیانیه‌ای را در روز ۱۵ ژوئن منتشر کرد و گفت که نازنین زاغری رتکلیف "در طراحی و انجام یک پروژه رسانه‌ای و سایبری با هدف براندازی نرم دولت شرکت کرده است." عفو بین‌الملل نوشت که نازنین زاغری زندانی وجدان است و "فقط به دلیل استفاده صلح‌آمیز از حق خود برای آزادی بیان و تماس

با دیگران زندانی است." فیلیپ لوتر از مقام‌های عفو در امور خاورمیانه و شمال آفریقا گفت: "خبر افت سلامتی نازنین زاغری رتکلیف بسیار نگران‌کننده است. زندانی شدن او به اتهامات تصنعی "امنیت ملی" کاملاً غیرموجه است."

"پس از بازداشت، او از کودک خردسالش جدا شد و برای ۴۵ روز در زندان انفرادی نگهداری شد. مقام‌های جمهوری اسلامی به جای تمهید درد و رنج او باید فوراً و بدون قید و شرط او را آزاد کنند و به این وضع پایان دهند." او که ۳۷ سال دارد، برای بنیاد رویترز کار می‌کند. بنیاد رویترز، وابسته به خبرگزاری تامسون رویترز، به فعالیت‌های خیریه اختصاص دارد. برخی مقام‌های جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر نسبت به خطرات احتمالی فعالیت‌های شهروندان ایرانی که تابعیت کشورهای دیگر را هم دارند هشدار داده‌اند.

فیدل کاسترو درگذشت



کاظم نیکخواه

فیدل کاسترو سمبل و چهره شاخص انقلاب قرن بیست، امروز در سن ۹۰ سالگی درگذشت. رسانه های جهان خبر مرگ کاسترو را سریعاً بازتاب دادند و چهره ها و شخصیت‌های بسیاری در مورد کاسترو و نقش بارز او علیه آمریکا و ست‌مگران سخن گفتند. شخصاً از جمله میلیون‌ها نفری هستیم که به کاسترو ارادت داشتیم و دارم. و این خبر برایم غم‌انگیز بود و متأسف شدم. من در جوانی به عنوان یک چریک کاسترو را به دلیل اینکه سمبل جنگ پیروزمند پارتیزانی علیه قدرت آمریکا و سگ‌های زنجیرش بود می‌ستودم، اما بعداً و تا امروز او را به عنوان دوست وفادار مردم، به خاطر اینکه در کنار مردم بود و مانند دوست داشته‌ام. کاسترو علیرغم همه توطئه‌ها و تبلیغات عظیم و خیل رسانه‌های مزدوری که علیه‌اش شبانه روز لجن پراکنی می‌کردند تا چهره او را لجن مال کنند، تا آخر در قلب اکثریت عظیم مردم قاره آمریکا بعنوان چهره‌ای مردمی و انقلابی و ستودنی باقی ماند و مردم شریف و محروم جهان نیز او را بعنوان سمبل مبارزه با ابرقدرت آمریکا می‌ستایند. به همین دلیل بود که بنا به یک آمار بیش از هزار مورد توطئه ترور کاسترو توسط دولت آمریکا و سیا و حتی به کارگیری مافیای سیسیل

و محرومیت خلاص کند. و روشن است که قاره آمریکا با وجود تلاش عظیم کاسترو و چه گورا و نیروهای چپ تحت رهبری آنها، همچنان تحت سیطره نیروها و دیکتاتوری‌های آمریکائی و سرمایه داران باقی ماند. اما هرکس با یک نگاه به صف دشمنان قسم خورده کاسترو متوجه میشود که این‌ها همگی همان دشمنان شناخته شده کارگر و کمونیسم و انسانیت هستند. و همین‌گویی یک واقعیت اساسی است. از پاپ و کلیسا و نئوکنسرواتیست‌های رنگارنگ و ژنرال‌ها و سازمان سیا و میلیاردرها و مرتجعین گوناگون و رسانه‌های مزدورشان که برای ما در ایران هم عکس خمینی را در ماه می انداختند، اینها همه دشمنان قسم خورده کاسترو بودند و هستند. همین صف نشان میدهد که کاسترو در کجای تاریخ قرار می‌گیرد و چگونه باید قضاوت شود.

کاسترو در کنار چه گورا همیشه بعنوان سمبل انقلاب علیه قدرتهای سرمایه داری باقی خواهد ماند. اما برای پیروز شدن قطعی این انقلاب و رها شدن از شر مفتخوران و توطئه گران تاریخ، چپ ناچار است در خط و سیاستی که کاسترو دنبال کرد یک انقلاب و خانه‌تکانی اساسی صورت دهد و محدودیت‌ها و ناخالصی‌های آنرا کنار زند.

۲۶ نوامبر ۲۰۱۶

از صفحه ۱ (زنان) اخبار و گزارشات ...

دلایلی که به نظر مسئولین باعث بی سوادی زنان در مناطق کرد نشین شده.

به گزارش زیروار خبر رئیس جمعیت بانوان فرهیخته کردستان با بیان اینکه جمعیت بانوان کشور براساس آخرین آمار موجود تا پایان سال ۹۴ بالغ بر ۷۸ میلیون نفر بوده که از این تعداد بیش از ۳۸ میلیون نفر آن را زنان تشکیل می دهد گفت: جمعیت کردستان نیز بر اساس آخرین سرشماری و آمار سال ۹۴ یک میلیون و ۵۶۱ هزار است که از این تعداد حدود ۷۶۴ هزار و ۹۰۰ نفر آن را بانوان تشکیل می دهند یعنی رقمی حدود ۴۹ درصد و به عبارتی نزدیک به نیمی از جمعیت استان بانوان درصداشان بی سواد، ۵۰

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۵۲۳۶۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Durande hesab: FVTN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بجاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم و

بدون "خطر" سوسیالیسم منجلا بی بیش نخواهد بود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!